

تشکیل ائتلاف‌های دریایی پیرامون مرزهای آبی جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی

ابراهیم ضرغامی^۱، افشین متقی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰

چکیده

بنیان قدرت دریایی، بهره‌گیری از دریا برای تجارت، واپایش و چیرگی بر منابع است؛ در این چارچوب، واپایش دریاها، سرنوشت تصمیم‌گیری در ساحل را مشخص خواهد کرد. در سال‌های اخیر تأثیرگذاری حوزه ایندوپاسفیک (هند و اقیانوس آرام) در معادلات ژئوپلیتیکی و تغییر موازنه‌های قدرت، باعث جهت‌گیری سیاست‌ها و تمرکز قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای به این مناطق شده است؛ از این منظر شمال و غرب اقیانوس هند به‌ویژه حوزه دریای سرخ و خلیج عدن و آبراه‌های راهبردی آن در کانون توجه قرار گرفته است؛ در همین راستا کشورهای فرامنطقه‌ای با همکاری کشورهای منطقه‌ای، ائتلاف‌های دریایی را در این مناطق با هدف تضمین امنیت دریانوردی و تأمین منافع ملی خود شکل داده‌اند. هدف اصلی این پژوهش بررسی و تحلیل اثرگذاری شکل‌گیری ائتلاف‌های دریایی در امنیت ملی ج.ا.ایران به‌ویژه امنیت دریایی است. روش‌شناسی پژوهش، استدلالی است و روش تحقیق نیز توصیفی-تحلیلی می‌باشد و اطلاعات آن نیز به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که بازرسی و توقیف شناورهای تجاری و نفتکش، ناامن‌سازی مسیرهای تردد و حمل‌ونقل دریایی، واپایش و چیرگی دریایی و بسترسازی بروز تهدیدات نظامی در دوردست از مهم‌ترین تهدیدات این ائتلاف‌های دریایی برای امنیت ملی است و برای مقابله با این تهدیدات، توسعه عمق بازدارندگی دفاعی کشور در بستر دریا، سیادت دریایی در آبراه‌های راهبردی پیرامون و مدیریت هوشمند حمل‌ونقل انرژی فسیلی در خلیج فارس و تنگه هرمز ضروری است.

کلیدواژه‌ها: ائتلاف‌سازی دریایی، امنیت ملی، امنیت دریایی، بازدارندگی شبکه‌ای، اقیانوس هند.

۱. دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول). Ezdaryahome93@gmail.com

۲. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی. a.mottaghi@khu.ac.ir

مقدمه

دریا از دیدگاه نظامی و اقتصادی، نقش بسیار مهمی در قدرت و توانایی کشورها در دستیابی به فرصت‌ها و امکانات در همهٔ زمینه‌ها ایفا می‌نماید. دستیابی به قدرت و سیادت دریایی می‌تواند کشورها را در حفظ و امنیت دریاها و نیز بالا بردن توان اقتصادی و سیاسی یاری نماید (اخگری، ۱۳۹۱). در سدهٔ جاری محیط‌های دریایی و اقیانوسی به‌عنوان عرصهٔ جدید تسلط بشر قلمداد شده‌اند. توانمندی در عرصهٔ دریایی بیش از پنج سده است که قدرت جهانی را برای کشورهای پیشرو در این زمینه به همراه داشته است. ترتیبات حقوقی در دریاها و اقیانوس‌ها، اجازه تردد و استقرار واحدهای نظامی را می‌دهد؛ بنابراین هنگامی که برای حضور نیروی نظامی در خشکی و فضای روی آن محدودیت وجود داشته باشد، دریاها و اقیانوس‌ها مهم‌ترین جایگزین به حساب می‌آیند (عالی‌پور و طحانی، ۱۳۹۷: ۸۵). فضاسازی‌های ژئوپلیتیک به سبک قرن بیستم، مناطق ژئوپلیتیک را بر اساس اهمیت آن مناطق در برخورداری از منابع انرژی، حجم بازارهای تجاری، پراکندگی نقاط راهبردی و موارد مشابه آن تخمین می‌زند؛ به عبارت دیگر تعیین مناطق ژئوپلیتیک به سبک استعماری با خصوصیات نظامی و مزایای اقتصادی ناشی از به دست گرفتن کنترل آن‌ها پیوند خورده است (کاپلان، ۲۰۰۹).

برخی ناظران سیاسی منطقهٔ اقیانوس هند را کمر بند اقتصادی جادهٔ ابریشم جدید در قرن ۲۱ نامیده‌اند که آسیا را به اروپا متصل می‌کند. جادهٔ ابریشم دریایی از طریق تنگهٔ مالاکا، چین و شرق آسیا را به هند، خاورمیانه و شرق آفریقا متصل می‌کند و به‌عنوان یک پل لجستیک مدرن بین چین و بقیهٔ جهان کار می‌کند. در حال حاضر اقیانوس هند شلوغ‌ترین مسیرهای تجاری جهان است که خاورمیانه، جنوب آسیا و آسیا - اقیانوسیه را به هم متصل می‌کند. انتقال نفت در این منطقه، حدود ۴۰ درصد جهان است که از تنگهٔ باب‌المندب، هرمز و مالاکا عبور می‌کند. امروزه حدود ۹۰ درصد از تجارت جهانی و مسافرت‌های دریایی و همچنین حدود ۶۵ درصد از کل انتقال نفتی خلیج فارس به اروپا و

آسیا از طریق اقیانوس هند عبور می‌کند (ضرغامی، ۱۳۹۷: ۵۷). در راستای واپایش بیشتر آبراه‌های اقیانوس هند به‌ویژه تنگه هرمز، باب‌المنندب و کانال سوئز در سال‌های اخیر ائتلاف‌های بین‌المللی امنیت دریایی در این مناطق شکل گرفت؛ این ائتلاف‌ها به رهبری آمریکا در خلیج فارس، دریای سرخ و شمال اقیانوس هند (دریای عربی و دریای سرخ) تشکیل شد. در کنار آن ائتلاف دریایی اروپا نیز در مقر فرماندهی و هدایت این ائتلاف در ابوظبی امارات به رهبری فرانسه تأسیس شد؛ این نیروهای ترکیبی متشکل از چندین شناور هستند که در مسیرهای دریانوری اجرای مأموریت می‌کنند و از این جهت حمل‌ونقل دریایی و تجارت دریایی کشور را تحت واپایش قرار می‌دهند. شکل‌گیری ائتلاف‌های دریایی در پیرامون مرزهای آبی ج.ا.ایران که همسو با اهداف و سیاست‌های قدرت‌های غربی فعال در این مناطق است، زمینه‌ساز و بسترساز افزایش تهدیدات امنیتی و دفاعی برای کشور خواهد شد؛ این تهدیدات به‌ویژه در حوزه کشتیرانی و دریانوردی آزاد و ایمن در مناطق دور از ساحل بیشتر نمود پیدا می‌کند. با این تفاسیر هدف اصلی این پژوهش بررسی و تحلیل اثرگذاری شکل‌گیری ائتلاف‌های دریایی بر امنیت ملی ج.ا.ایران به‌ویژه امنیت دریایی است. روش‌شناسی پژوهش مبتنی بر رویکرد استدلالی است و بر پایه این سوال استوار است که ائتلاف‌سازی‌های دریایی پیرامون مرزهای آبی کشور چه تأثیری بر امنیت ملی دارد؟

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

پیشینه‌شناسی تحقیق

با بررسی اسناد و متون کتابخانه‌ای، پژوهشی به‌صورت مستقیم به این موضوع پرداخته نشده است؛ اما پژوهش‌هایی نزدیک به موضوع انجام شده است که در ادامه به بخشی از آن‌ها در قالب جدول اشاره می‌شود:

جدول ۱. پیشینه تحقیق

عنوان پژوهش	نویسندگان	انتشارات	خلاصه پژوهش
توسعه قدرت دریایی، زیربنای اقتصاد دفاع	عالی‌پور، علیرضا و طحانی، غلامرضا (۱۳۹۷)	فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی	نویسندگان این پژوهش معتقدند که دریا و قدرت دریایی علاوه بر اهمیت اقتصادی، دارای اهمیت نظامی، سیاسی و ژئوپلیتیکی نیز می‌باشد و وجود دریا و قدرت دریایی برای هر کشوری ضروری است؛ این پژوهشگران تقویت شناورهای سطحی، زیرسطحی، هوادریا، حضور در آب‌های اقیانوسی، حفاظت از خطوط مواصلاتی و توسعه دیپلماسی دریایی را از جمله موارد ضروری در قالب توسعه ناوگان نظامی پیشنهاد داده‌اند.
تهدیدات امنیتی شمال اقیانوس هند و آینده تجارت دریایی جمهوری اسلامی ایران	مینیایی، حسین و همکاران (۱۳۹۷)	فصلنامه آینده پژوهشی دفاعی	نویسندگان این پژوهش معتقد است که وجود کشورهای با بستر فقر اقتصادی در منطقه از عوامل اصلی در زمینه بروز ناامنی در این منطقه شده است؛ همچنین حملات تروریستی علیه تأسیسات نفت و گاز دریایی، قاچاق انسان، سلاح و مواد مخدر، بهره‌برداری غیرقانونی از منابع دریا و بالای طبیعی دریایی و افزایش حضور قدرت‌های دریایی از مهم‌ترین منابع منابع تهدید امنیت دریایی در اقیانوس هند است.
بازدارندگی ج.ا.ایران در عرصه دریایی	عسکری، محمود و ترابی، قاسم (۱۳۹۲)	مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی	مسئله اصلی این پژوهش این بوده است که نقش نیروی دریایی ج.ا.ایران در رسیدن به بازدارندگی چگونه قابل تبیین است. ارتقا توان دریایی، افزایش فزاینده «ابهام راهبردی» در محیط خلیج فارس (ابهام در شیوه جنگ برای دشمن)، توجه بیشتر به پدافند غیرعامل، بهره‌گیری از بستر زیر دریا، کلید واژه‌های بازدارندگی دریایی محسوب می‌شوند.
جایگاه دریا در راهبرد دفاعی ج.ا.ایران و راهکارهای تحقق و الزام‌های آن	رستمی علی، اکبر و زهدی یعقوب (۱۳۹۲)	مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی	در این پژوهش به ابعاد عملیاتی دریا و نقش آن در سیاست‌ها و راهبردهای دفاعی اشاره شده است؛ این پژوهش با ارزیابی و بررسی داده‌های جمع‌آوری شده با این نتیجه رسیده است که بعد نظامی دریا در راهبرد دفاعی کشور تأثیرگذار بوده و در شرایط کنونی در اولویت اول قرار دارد. خلیج فارس، تمرکز مکانی این پژوهش بوده است.

مبانی نظری

الگوهای نظری نقش راهنما و انسجام دهنده معنایی را به داده‌های جمع‌آوری شده و تبدیل آن‌ها به اطلاعات غنی شده از تحلیل‌های تبیینی در مطالعات راهبردی برعهده دارند؛ الگوهای نظری مختلف با مرتبط ساختن متغیرهای تبیینی به یکدیگر به دنبال ایجاد دستگاه نظری منسجم جهت توضیح و توصیف پدیده‌های امنیتی و سیاسی هستند.

بازدارندگی شبکه‌ای

بازدارندگی رایج‌ترین رویه‌ای است که کشورها جهت مقابله با تهدیدات خارجی در چرخه راهبردی موجود به طراحی آن اقدام می‌کنند. بازدارندگی شبکه‌ای بر شکل‌گیری و گسترش ارتباطات درون شبکه‌ای و بین شبکه‌ای از جمله ارتباط بین حلقه‌ای و محور متمرکز است. در این چارچوب هدف حفظ نظم مطلوب خود و جلوگیری از رفتارهای نامطلوب دشمن یا متخاصم هست. (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳۸).

اصولاً شبکه‌ساز فیزیکی است از طریق پیوندهای ارتباطی بین اجزاء تشکیل‌دهنده به وجود می‌آید. چنین شبکه‌هایی زمانی اهمیت دو چندان می‌یابند که نوعی عدم تقارن در وضعیت قدرت نظامی وجود داشته باشد. کاربردهای شبکه‌سازی نشان می‌دهد؛ این رویکرد ممکن است بهترین روش برای ایجاد بازدارندگی باشد. مهم‌ترین کارکردهای شبکه‌سازی شامل موارد زیر است:

- (۱) متضرر ساختن دشمن از طریق همکاری فعال بین حلقه‌های شبکه؛
- (۲) افزایش تعداد طرف‌های درگیر در بحران و در نتیجه افزایش فشارهای بازدارنده بر دشمن؛
- (۳) افزایش احتمال اتحاد و ائتلاف علیه دشمن؛
- (۴) افزایش احتمال سرایت بحران‌ها از سطح ملی و منطقه‌ای به سطح جهانی؛
- (۵) افزایش احتمال درگیر ساختن دشمن در دیگر سطوح موضوعی و

بحران‌زا (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۹۲)

به‌علاوه توجه به تمامی جنبه‌های شبکه منجر به شکل‌گیری شبکه‌های مرکب شده است که به نوعی مدل وابستگی حساس، در این نوع از شبکه‌ها نمایان می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۲: ۷۲).

نظم امنیتی پیچیده و شبکه‌ای شده

نظم‌های امنیتی در دو سطح منطقه‌ای و جهانی بر اساس قطب‌بندی‌های قدرت و مبتنی بر بازیگری واحدهای دولتی و چگونگی کنش‌ورزی امنیتی آن‌ها با یکدیگر تعریف می‌شوند. کانتوری و اشیگل از سه نوع سیستم در مطالعات امنیتی و منطقه‌ای نام می‌برند. سیستم مسلط، سیستم تابعه (منطقه) و سیستم داخلی؛ هر سیستم تابعه در برگیرنده مجموعه‌ای از دولت‌ها با مجاورت جغرافیایی است که در آن مسایل امنیتی در تعامل میان واحدها رخ می‌دهد و مدیریت می‌شود. بر اساس چهار متغیر سطح و میزان انسجام، ماهیت ارتباطات، سطح قدرت و ساختار روابط نظم‌های تابعه به سه بخش تقسیم می‌شوند. بخش مرکزی، بخش پیرامونی و قدرت مداخله‌گر (کانتوری و اشیگل، ۱۹۷۰: ۵۱).

لیک و مورگان^۱ مانند بوزان^۲ به بررسی مجموعه‌های امنیتی پرداختند؛ برخلاف بوزان این دو محقق نقش عوامل امنیتی را در شکل‌گیری مناطق برجسته ساختند و قدرت‌های بزرگ را به‌عنوان بخشی از مجموعه‌های امنیتی به حساب آوردند؛ لیک و مورگان تهدیدات را جایگزین منافع متغیر جغرافیایی، تاریخی، وابستگی و دیگر متغیرها می‌نمایند. به نظر این دو محقق الگوهای دوستی و دشمنی که در مجموعه‌های سرزمینی خود را نمایان می‌سازند همگی نوعی نسخه‌های بدلی متغیرهای دیگر می‌باشند. در این دیدگاه قدرت‌های بزرگ بر اساس عنصر درک تهدیدات در اغلب مجموعه‌های امنیتی مشارکت مستقیم دارند و بنابراین بخشی از مجموعه‌های امنیتی محسوب می‌شوند. برای بررسی دقیق‌تر پویایی قدرت در سطح میانی و منطقه‌ای علاوه بر مناسبات دو و چندجانبه و نقش قدرت‌های

1. Lake, David, Morgan, Patrick
2. Buzan

مداخله‌گر در پویایی قدرت باید به نظم‌ها و الگوهای مدیریت بحران در مطالعه سطح میانی توجه نمود (لیک و مورگان، ۱۹۹۷: ۶۰).

نظم‌های شبکه‌ای شده امنیتی مناطق تنها بر اساس توزیع تهدیدات و کانون‌های ارتباطی تبیین نمی‌شوند؛ بلکه وجود خوشه‌های مختلف جغرافیایی موجود در آن‌ها و سه لایه پیوندهای ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچری سبب افزایش پیچیدگی و چندمتغیری شدن رویکرد تحلیلی شده است. برخی واحدهای کوچک منطقه‌ای تنها در یکی از خوشه‌های جغرافیایی به‌عنوان مثال خوشه خلیج فارس در غرب آسیا نقش‌آفرینی می‌کنند و برخی واحدها مانند عربستان در دو خوشه جغرافیایی می‌توانند به ایفای نقش پردازند؛ برخی واحدها بازیگران تک لایه هستند و تنها در لایه ژئوپلیتیکی نقش‌آفرینی می‌کنند و برخی واحدها در چند خوشه و چند لایه به‌صورت همزمان در شبکه نظم امنیتی منطقه‌ای در پیوند سلبی و ایجابی با واحدهای مداخله‌گر فرامنطقه‌ای رفتارهای راهبردی خود را سامان می‌دهند (خوشکار و قاسمی، ۱۴۰۱: ۸).

امنیت ملی و امنیت دریایی

امنیت احساس بر خاسته از وجود ساختارها و فرایندهایی است که در پرتو آن فرد یا واحد خود را در برابر هرگونه گزند (عینی یا ذهنی)، پایدار و ماندگار تلقی کند (کاوایانی‌راد، ۱۳۹۰: ۸۳). سوبیه‌های گوناگون برای امنیت در قالب امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی، امنیت طبیعی، امنیت زیست‌محیطی و امنیت نظامی بر شمرده‌اند (حافظ‌نیا، ۱۳۷۸: ۸۱). در حالی که مفهوم امنیت ثابت است، محتوای جغرافیایی - سیاسی امنیت به فراخور وضعیت زمان و مکان تغییر می‌کند (مجهزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۴)؛ بر این پایه امنیت ملی یعنی دستیابی به وضعیتی که به کشوری امکان دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد (روشندل، ۱۳۷۶: ۱۴). امنیت ملی ناظر بر حفظ جان مردم، حفظ تمامیت ارضی، حفظ نظام اقتصادی و سیاسی و حفظ استقلال و حاکمیت کشور است (موحدی‌نیا، ۱۳۸۸: ۲۹).

در این راستا، امنیت دریایی بخشی از امنیت ملی است که در قالب تأمین امنیت مرزهای دریایی، امنیت سواحل و جزایر، واپایش منابع و ذخایر دریایی و امنیت مسیرهای تجارت دریایی تعریف می‌شود. در این زمینه، امنیت خطوط دریانوری و حفظ جریان کالا و انرژی از مسیرها و آبراه‌های بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امنیت و دفاع دریایی مسئله‌ای جمعی و جهانی می‌باشد که متضمن زنجیره کسب ثروت و بهره‌مندی ملت‌ها از منافع دریاست (ضرغامی، ۱۳۹۷: ۴۷).

در حوزه تأمین امنیت و دفاع دریایی سه کلید واژه ممانعت دریایی، کنترل دریا و نمایش قدرت تعریف می‌شود. ممانعت دریایی به مفهوم اجازه ندادن به نیروی رقیب و مقابل برای بهره‌گیری از یک منطقه دریایی است. کنترل دریا به معنای توانایی اعمال قدرت دریایی و آزادی عمل در این حوزه است و نمایش قدرت به مفهوم قدرت‌نمایی و حضور مستمر در دریا و در مفهوم علمی آن به توانمندی اجرای عملیات در ساحل است (همان: ۶۷).

شکل‌گیری ائتلاف‌های دریایی و اهداف آن‌ها

با نگاهی به گذشته می‌توان پی برد که دولت‌ها با تشکیل نیروی دریایی از آن به‌عنوان ابزار اعمال سیاست و قدرت در فراسوی مرزهای سرزمینی خود استفاده نموده‌اند. به گمان ماهان (نظریه‌پرداز قدرت دریایی)، راهبرد دریایی شامل واپایش دریا و استفاده از ظرفیت دریا برای کمک به ایجاد واپایش خشکی است. او در نظریه‌اش تأکید خاصی بر انهدام نیروهای دشمن ندارد؛ بلکه بیشتر به دنبال محدود کردن بازرگانی و قابلیت نمایش دشمن است. مقصود ماهان از قدرت دریایی، فرمانروایی بر دریا از راه برتری نیروی دریایی بود و اینکه ترکیبی از بازرگانی دریایی متصرفات آن سوی دریاها و داشتن امتیازهای ویژه در بازارهای خارجی است که ثروت و شکوه ملی را ایجاد می‌کند. اولین وظیفه و نیروهای دریایی، کنترل مسیرهای بازرگانی دریایی از طریق حکمرانی بر دریا می‌باشد؛ درواقع علت ظهور و سقوط امپراطوری‌ها و قدرت‌های بزرگ در واپایش یا عدم واپایشی بر دریاست؛ بنابراین تسلط دریایی به‌عنوان اصلی برای نمایش قدرت در قرن ۱۹ در اوج خود قرار

داشت و تحت‌تأثیر نظریه‌های ماهان، جریانی تحت‌عنوان «دریا‌گرایی»^۱ (یا حمایت از قدرت دریایی) بسط و توسعه یافت. (تیل، ۲۰۰۵: ۱۳)؛ این مباحث نشان‌دهنده آن است که قدرت دریایی دارای ویژگی‌هایی است که استفاده از آن می‌تواند به‌مثابه یک مزیت راهبردی مورد نظر قرار گیرد. به نظر کالین گری: «امتیازات ذاتی قدرت دریایی عبارت است از قدرت تطابق، انعطاف و تحرک بر سطح در عمقی و بر فراز محیطی که بخش اعظم سطح کره زمین را پوشانده و خشکی‌های جزیره مانند آن را احاطه کرده است» (گری، ۱۳۸۵: ۲۷).

دیپلماسی قایق‌های توپدار^۲، تجلی بارز استفاده از نیروی دریایی برای اعمال قدرت است. باید گفت که قدرت دریایی، ابزاری برای دسترسی است؛ اما مانند اکسیژن، نقش و اهمیت آن در نبودش مشخص می‌شود (تان^۳، ۲۰۱۱: ۴۵). نیروی دریایی اهداف زیر را دنبال می‌کند:

عرصه دیپلماتیک

در این عرصه، فعالیت نیروی دریایی، حمایت از سیاست خارجی کشور می‌باشد؛ این عرصه می‌تواند در برگیرنده فعالیت‌های زیر باشد:

- (۱) اجبار؛
- (۲) اعمال تحریم؛
- (۳) انجام عملیات‌های حمایت از صلح؛
- (۴) حضور ناوگان دریایی در مناطق حساسی و حیاتی؛
- (۵) استفاده‌ی نمادین؛
- (۶) حمایت‌های بشردوستانه؛
- (۷) اقدام‌های اعتماد سازانه.

1. Navalism
2. Gunboat Diplomacy
3. Tan

عرصه حراستی (پاسبانی)

در این عرصه، کارکرد نیروی دریایی تضمین‌کننده حاکمیت نیروی دریایی خواهد بود و شامل اقدام‌های زیر است:

- (۱) مقابله با حمله‌های دریایی؛
- (۲) حمایت و حفاظت از منابع دریایی؛
- (۳) واپایش و پایش میادین نفت و گاز؛
- (۴) حراست از منابع محیط زیست؛
- (۵) اجرا و تضمین اجرای قوانین و پیمان‌های دریایی بین‌المللی و ملی؛
- (۶) مدیریت دریا؛
- (۷) مشارکت در مدیریت بلاهای طبیعی (کلارک، ۲۰۱۴: ۳۴).

عرصه نظامی

وظیفه اصلی نیروی دریایی، حمایت از منافع ملی است که در بردارنده اقدام‌های زیر است:

- (۱) انجام عملیات‌های دفاعی عمومی مانند عملیات‌های ساحلی؛
- (۲) دفاع از بنادر؛
- (۳) اجرای همکاری‌های امنیتی؛
- (۴) دفاع از کشور در برابر تهاجم؛
- (۵) جلوگیری از تهاجم (تان، ۲۰۱۱: ۹).

با این تفاسیر نیروی دریایی، به‌طور مستمر برای حفاظت از منافع، مطمئن ساختن دوستان و متحدان از تعهد مستمر به (ایجاد) امنیت منطقه‌ای و بازداشتن و مأیوس نمودن دشمنان بالقوه و رقبای دیگر است؛ در این چهارچوب ائتلاف‌های دریایی اهداف زیر را دنبال می‌کنند:

امنیت، کنترل و برتری دریایی

نقش دریا از منظر راهبردی بیشتر در راستای بازدارندگی، امنیت دریایی و کنترل دریایی نمود پیدا می‌کند. به واقع نقش دریا در قدرت موجب شد که حتی قدرت‌های غیردریایی، هدف واپایش دریاها را داشته باشند. میان قدرت دریایی و امنیت دریایی همبستگی برقرار است. قدرت دریایی ناظر بر مجموعه توانایی‌های یک ملت در کسب منافع خویش از پهناها (دریاها و اقیانوس‌ها) با به‌کارگیری مناطق دریایی برای فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی در زمان صلح یا جنگ برای نیل به مقاصد و اهداف ملی است. گستره قلمرو دریایی کشورها پیوند استواری با قدرت، منافع و امنیت ملی آن‌ها دارد به گونه‌ای که قدرت برتر نظام ژئوپلیتیک جهانی طی چهار سده گذشته همواره کشورهایی بوده‌اند که به دریاها دسترسی داشته و بر آب‌های آزاد سلطه داشته‌اند. امروزه دریاها یا آب‌ها، به‌ویژه آب‌های بین‌المللی، نقش ارزشمندی در تأمین امنیت جهانی و کسب قدرت دارند و حضور در عرصه دریا و چیرگی بر آب‌های بین‌المللی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهاست. هریک از کشورهای جهان، حوزه‌ای برای نفوذ خود انتخاب کرده و آن را حریم امنیت ملی خود ارزیابی می‌کنند. در حقیقت آن کسی که بیشتر به دریا تسلط دارد، به همان اندازه قدرت دارد کشورها به فراخور میزان قدرت، وابستگی به دریا، در ازای سواحل، میزان صادرات و واردات رویکردهای مختلفی در تأمین امنیت دریایی‌شان در حوزه مسائل محورهای امنیتی، اعم از تأمین غذا، مبارزه با دزدان دریایی، مبارزه با آلودگی محیطی منطقه داشته‌اند.

در رابطه با نقش‌آفرینی دریا در امور نظامی و راهبردی نیز بیان این موضوع کفایت می‌کند که در هر دو جنگ نیروهای ائتلاف با عراق، حدود ۹۵-۹۰ درصد از تجهیزات و ملزومات مورد نیاز نیروهای ائتلاف از طریق دریا تأمین شد (تان، ۲۰۱۱: ۲۹). پس از کسب درجاتی از کنترل در زمان جنگ مهم‌ترین عملیات نیروی دریایی شامل موارد زیر است:

- حفاظت و تسهیل حمل و نقل و تأمین تدارکات تجاری و نظامی در دریا؛
- دسترسی امن به بنادر و بندر؛

- ممانعت از فعالیت‌های تجاری و نظامی نیروی مقابل؛
- حفاظت از منابع دریایی؛
- لشکرکشی و ایجاد پایگاه؛
- بدست آوردن و حفظ کنترل هوایی و دریایی محلی در حمایت از عملیات هوایی و زمینی.

کنترل آبراه‌ها و افزایش وزن ژئوپلیتیکی

وزن ژئوپلیتیکی رابطه مستقیم با منزلت ژئوپلیتیکی هر کشور در ساختار جهانی و منطقه‌ای دارد. یعنی هرچقدر وزن ژئوپلیتیکی بیشتر باشد منزلت و اعتبار عمومی کشور بین سایر کشورها اعم از بزرگ‌تر، هم‌تراز و یا کوچک‌تر بیشتر می‌شود و هر اندازه اعتبار و منزلت بیشتر افزایش یابد؛ همان اندازه فرصت‌های جدید قدرت مرئی و نامرئی برای اثرگذاری عینی و ذهنی بر فرایندها، تصمیم‌سازی‌ها، اقدامات و رفتارها در مقیاس‌های مختلف محلی و همسایگی، منطقه‌ای و جهانی فراهم می‌آید و کشور می‌تواند به تدریج در جایگاه مدیریت و رهبری فرایندها و کنش‌های جمعی قرار بگیرد و نقش سیاسی و بین‌المللی محوری ایفا نماید (حافظ‌نیا: ۱۳۸۵: ۵۴).

در بین عوارض دریایی مؤثر در افزایش وزن ژئوپلیتیکی کشورها، تنگه‌ها از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشند؛ این پیوند از جایگاه ارزشمند آبراه‌های دریایی به دلیل ارزش‌های ارتباطی و اقتصادی و نظامی نشأت می‌گیرد که دارای نقش مؤثری در موازنه قدرت منطقه‌ای و جهانی هستند و دولت‌ها و قدرت‌های مسلط بر این گذرگاه‌های از آن به‌عنوان ابزاری در سیاست خارجی خود استفاده می‌کنند. قدرت‌های دریایی برتر با حضور فعال و نقش‌آفرینی مؤثر در کنترل گذرگاه‌های دریایی و مقابله با ناامنی‌ها و مخاطرات دریایی در این مسیرها می‌تواند به افزایش وزن ژئوپلیتیک کشورها و به تبع آن افزایش منزلت جهانی آن‌ها کمک نماید (میرحیدر، ۱۳۸۳: ۲۰۰).

کمک به دفاع از منافع ملی کشورهای فرامنطقه‌ای در عمق

یگان‌های دریایی، تا حد امکان با تشخیص و خنثی‌سازی تهدیدات؛ از منافع ملی در عمق دفاع می‌کنند؛ این منافع در حال حاضر بیشتر تأمین منابع انرژی و تامین خطوط دریانوری و حمل‌ونقل دریایی است. عملیات‌های دفاع نیروی دریایی از تقویت ارتباطات حیاتی برون مرزی تا استقرار شناورها در بنادر یا واکنش سریع به هرگونه تهدید در حال نزدیک شدن به خط ساحلی، در همکاری و هماهنگی نزدیک با نیروی مشترک، نهادهای دولتی دیگر و سازمان‌های غیردولتی و به منظور فراهم نمودن بالاترین سطح امنیت ممکن، به کار گرفته می‌شوند.

تقویت و حفظ ارتباطات نزدیک با شرکای بین‌المللی

ارتباطات نزدیک توسعه‌یافته با کشورهای دیگر، به امنیت و ثبات حوزه دریایی و برای منفعت تمامی طرف‌ها، کمک می‌نمایند. اطمینان و همکاری را در طول زمان و از طریق طرح‌های همکاری ایجاد می‌کنند، به طوری که منافع راهبردی شرکا را درک نموده و همواره آن‌ها را در نظر می‌گیرند. یک اصل کلیدی در تقویت این ارتباطات، توسعه مهارت‌های زبانی، فرهنگی و تاریخی مؤثر در میان ملوانان، تفنگ‌داران و افراد گارد ساحلی، برای ارتقای همکاری مؤثر با شرکای مختلف بین‌المللی است. ایجاد و تقویت دوباره این ارتباطات؛ یک هدف اصلی برای طرح‌های نبرد در صحنه و آموزش مشترک می‌باشند. برای تحقق این امر مهم، طرح همکاری دریایی جهانی، به واسطه مقابله با دزدی دریایی، تروریسم، تکثیر تسلیحات، قاچاق مواد مخدر و فعالیت‌های غیرقانونی دیگر و برای برقراری امنیت دریایی و ارتقای نقش قانون، یک رویکرد فعالانه را طلب می‌کند.

اثرگذاری بر فرایند منطقه‌ای و جهانی از طریق کنترل مسیرهای انرژی

انرژی (به‌طور مشخص نفت و گاز و مشتقات آن) یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در تولید ثروت و قدرت در جهان کنونی محسوب می‌شود؛ از این منظر انرژی خود یکی از ارکان

قدرت محسوب می‌شود. بر این اساس انرژی کالایی استراتژیک است که تأمین و امنیت آن نقشی کانونی در امنیت بین‌المللی و اقتصاد جهانی دارد. به اعتقاد کارشناسان نیاز به انرژی‌های فسیلی همچنان رو به افزایش است و این در حالی است که به دلیل محدودیت مخازن نفت خام، طی ۱۵ سال آینده تولید نفت خام به نصف مقدار کنونی کاهش می‌یابد؛ در حالی که نیاز به سوخت‌های فسیلی نسبت به مقطع کنونی ۳۵ درصد افزایش خواهد یافت. تحت این شرایط، بهره‌برداری از منابع گازی و کنترل منافع فسیلی مورد توجه جدی جهانی قرار گرفته و کشورهای صاحب قدرت تمام تلاش خود را جهت کنترل بر این منافع خواهد گذاشت.

در پایان این بخش یادآوری این نکته ضروری است که قدرت دریایی در دوران جدید شامل نیروهای هوایی، دریایی و زمینی است که به‌طور مشترک برای تأثیرگذاری بر رویدادها در کرانه ساحلی فعالیت می‌کنند. مؤلفه‌های کلیدی قدرت نیروی دریایی شامل ممانعت دریایی، کنترل دریا و نمایش قدرت است. برخی از فن‌آوری‌های مدرن که هر کدام از عناصر استراتژی نیروی دریایی را پی‌ریزی می‌کنند در قالب جدول زیر نشان داده شده است (جدول شماره دو).

جدول ۲. فناوری‌های مدرن و شکل‌گیری عناصر و مؤلفه‌های قدرت دریایی

فناوری مورد استفاده	مؤلفه‌های قدرت دریایی
<ul style="list-style-type: none"> • مین‌ریزی با مین‌ها کف قاب و لنگری؛ • زیردریایی‌های مورد استفاده برای مین‌ریزی، اژدرها و موشک‌های ضد کشتی؛ • قایق‌های گشتی تندرو؛ • شناورهای سطحی مجهز به موشک‌های ضد کشتی، تیربار و اژدر؛ • موشک‌های مخصوص زیردریایی با برد بلند؛ • ناوهای هواپیمابر حامل هواپیماهای بال ثابت و چرخشی؛ • هواپیما زمین پایه با بمب‌ها و موشک‌های ضد کشتی؛ 	ممانعت منطقه‌ای

فناوری مورد استفاده	مؤلفه‌های قدرت دریایی
<ul style="list-style-type: none"> • ناوهای هواپیمابر مجهز به هواپیماهای هشدار اولیه، جنگنده‌های مجهز موشک‌های هوا به سطح و هوا به هوا؛ • شناورهای سطحی مجهز به موشک‌های سطح به هوا، سیستم جنگ الکترونیک و پدافند موشکی؛ • شناورهای سطحی مجهز به جنگ ضد زیردریایی با استفاده از سونار و اژدهای هدایت‌پذیر؛ • زیردریایی‌ها برای جمع‌آوری اطلاعات؛ • ناوهای هواپیمابر حامل هواپیماهای بال ثابت و چرخشی؛ • هواپیماهای زمین پایه و شناورهای برد بلند؛ • مین‌روبی، شکار مین و پاکسازی؛ 	کنترل دریا
<ul style="list-style-type: none"> • ناوهای هواپیمابر مجهز به جنگنده؛ • شناورهای سطحی برای پشتیبانی و بمباران؛ • شناورهای آب‌خاکی همچون شناورهای نیروبر؛ • موشک‌های کروز دریاپایه برای حمله به اهداف زمینی؛ 	نمایش قدرت

منبع: (ضرغامی، ۱۳۹۷: ۸۶)

روش‌شناسی تحقیق

از آنجایی که این پژوهش به دنبال بررسی نقش و اثرگذاری ائتلاف‌های دریایی در امنیت ملی کشور است، روش‌شناسی مبتنی بر رویکرد استدلالی است. در رویکرد استدلالی محقق تلاش می‌کند با تکیه بر شواهد و قرائن موجود، اهداف و نیات غایی را کشف نموده و ارتباط میان پدیده‌ها را به صورت مستدل و ضابطه‌مند بیان نماید (خامه‌گر و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۷). نوع این تحقیق کاربردی - توسعه‌ای و روش آن توصیفی - تحلیلی می‌باشد؛ در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز از منابع کتابخانه‌ای و اسناد و مدارک مرتبط با موضوع استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی با استفاده از روش تحلیل محتوا و بهره‌گیری از نظرات خبرگان موضوع بوده است. در این روش ضمن شناسایی یافته‌های عینی و ذهنی تحقیق با تکیه بر نظریه‌ها و دیدگاه استراتژیک به

تفسیر و تحلیل داده‌های کیفی پرداخته شده است و در نهایت در قالب بهره‌گیری از خبرگی جمعی در بخش روش‌های مقابله با ائتلاف‌های دریایی، یافته‌های پژوهش حاصل شده است.

محیط‌شناسی پژوهش

آب‌های پیرامونی ایران در ادامه خلیج فارس و تنگه هرمز در برگیرنده بخش‌های از شمال اقیانوس هند است. اقیانوس هند، سومین اقیانوس بزرگ جهان است و سطح آب‌های آن ۲۰ درصد از کره زمین را تشکیل می‌دهد؛ این اقیانوس دارای چهار آبراه بسیار مهم و حیاتی شامل: کانال سوئز، باب‌المندب، تنگه هرمز و تنگه مالاکا است؛ این آبراه‌های باریک، مسیر مهم در تجارت جهانی نفت نیز می‌باشند؛ این مسیرها شاهراه تجارت اقتصادی و تأمین انرژی در سطح جهانی محسوب می‌شود. از آنجایی که بیشتر کشورهای اقیانوس هند به تجارت بین‌المللی با همسایگان دور مشغول‌اند، بیشتر کالاهای جهان از طریق اقیانوس حمل و نقل می‌شود؛ طبق این روند، حجم مبادلات در منطقه به‌طور مستمر افزایش می‌یابد. بدون شک، به دلیل رشد سریع اقتصادی در کشورهای پیرامون اقیانوس هند، در این حوزه شاهد افزایش فعالیت‌های دریایی خواهد بود؛ که این موضوع با عواملی همچون افزایش تجارت بین‌المللی، تغییرات جمعیتی در آن، وابستگی اقتصادی در مقیاس جهانی، توسعه بنادر و کشتیرانی، افزایش نیاز به انرژی و رشد منافع راهبردی تقویت خواهد شد. متعاقب آن، تأمین امنیت در گذرگاه‌ها و تنگه‌های راهبردی این اقیانوس پیچیده‌تر خواهد شد و با چالش‌های بزرگتری روبرو خواهند شد (پیشگاهی فرد و خانی‌ها، ۱۳۸۹: ۱۷۳)، امروزه بیش از ۹۰ درصد از میزان تجارت جهانی از طریق راه‌های دریایی انجام می‌شود که از این میزان حدود ۷۷ درصد این تجارت از طریق عبور بیش از هزار کشتی، بالغ بر ۷۰۰ میلیون تن کالا از اقیانوس هند، در هر سال است. در عین حال حمل و نقل کانتینری در مسیرهای تجاری اروپا به آسیا در اقیانوس هند نشان می‌دهد که سالانه حدود ۲۰ میلیون کانتینر در این اقیانوس جابجا می‌شود؛ این تعداد کانتینر حدود ۴۵ درصد مجموع

کانتینرهای بارگیری شده در مسیرهای شرق به غرب و بالعکس در جهان می‌باشد (ضرغامی، ۱۳۹۷: ۷۴).

در این ارتباط با توجه به منافع بی‌شمار اقتصادی کشورها در ترانزیت دریایی، کنترل گذرگاه‌هایی که کالاهای اقتصادی حیاتی از جمله مواد نفتی از آن‌ها عبور داده می‌شود، در اولویت اول کنترل توسط قدرت‌های دریایی جهان قرار دارند. گذرگاه‌های جهانی انتقال نفت از طریق دریا، بخش حیاتی از امنیت انرژی جهانی هستند. در همین راستای و در جهت تضمین منافع و اهداف کشورهای غربی، نیروهای فرامنطقه‌ای با همکاری نیروهای منطقه‌ای همسو اقدام به تشکیل ائتلاف‌های دریایی در مناطق مختلف اقیانوس هند نموده‌اند. نیروهای دریایی ترکیبی ۱ به اصطلاح یک ائتلاف دریایی چند ملیتی برای حفظ نظم بین‌المللی از طریق مقابله با بازیگران غیردولتی غیرقانونی در دریاها آزاد و ارتقای امنیت، ثبات و رفاه در وسعتی حدود ۳,۲ میلیون مترمربع است که خطوط کشتیرانی جهان را در بر می‌گیرد.

این نیروهای دریایی ترکیبی متشکل از ۳۴ کشور عضو شامل استرالیا، بحرین، بلژیک، برزیل، کانادا، دانمارک، مصر، فرانسه، آلمان، یونان، عراق، ایتالیا، ژاپن، اردن، جمهوری کره، کویت، مالزی، هلند، نیوزیلند، نوژ، پاکستان، فیلیپین، پرتغال، قطر، عربستان سعودی، سیشل، سنگاپور، اسپانیا، تایلند، ترکیه، امارات متحده عربی، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و یمن (دولت سابق) است. حوزه‌های اصلی مورد تمرکز نیروهای دریایی ترکیبی یا ائتلاف دریایی مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با قاچاق، مقابله دزدی دریایی، تشویق همکاری‌های منطقه‌ای و تعامل با شرکای منطقه‌ای و دیگر فعالیت‌ها برای تقویت قابلیت‌ها و ظرفیت‌های دریایی است.

- نیروهای دریایی ترکیبی دارای چهار گروه عملیاتی ترکیبی است:
- نیروهای دریایی ترکیبی ۱۵۰ (امنیت دریایی در خارج از خلیج فارس - دریای عربی)

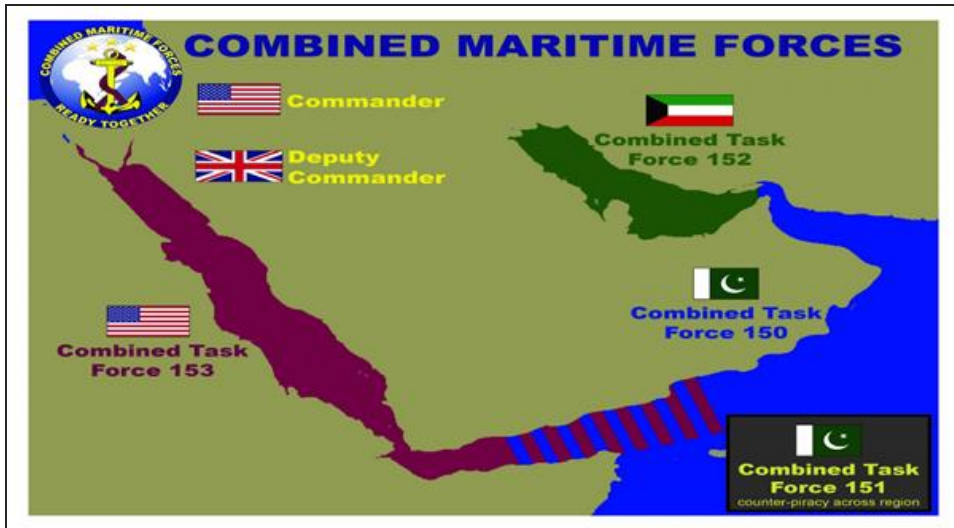
- نیروهای دریایی ترکیبی ۱۵۱ (مقابله با دزدی دریایی - خلیج عدن)
- نیروهای دریایی ترکیبی ۱۵۲ (عملیات امنیت دریایی - خلیج فارس)
- نیروهای دریایی ترکیبی ۱۵۳ (امنیت دریایی - دریای سرخ)

این ائتلاف‌ها به صورت الزامی و اجباری نیست و میزان و حجم مشارکت از قبل تعیین نشده است؛ بنابراین سهم هر کشور بسته به توانایی آن برای مشارکت در توانمندی‌ها و در دسترس بودن امکانات در هر زمان متفاوت است. ۳۴ کشوری که این ائتلاف‌های دریایی را تشکیل می‌دهند به یک دستور سیاسی یا نظامی محدود نیستند. نیروی دریایی ترکیبی یک سازمان انعطاف‌پذیر است و میزان مشارکت می‌تواند از تأمین یک افسر رابط تا استقرار شناورهای نظامی یا پرنده‌های شناسایی دریایی متفاوت باشد. شناورهای نظامی اجازه دارند درحالی‌که همزمان وظایف ملی و مأموریتی خود را انجام دهند، به نیروهای ترکیبی هم کمک کنند (نیروی دریایی ترکیبی، ۲۰۲۲) (جدول شماره سه و تصویر شماره یک).

جدول ۳. کشورهای مسئول فرماندهی نیروهای ترکیبی ائتلاف از زمان شکل‌گیری

(تعداد بار فرماندهی)

تعداد	CTF-153 (دریای سرخ)	تعداد	CTF-152 (خلیج فارس)	تعداد	CTF-151 (خلیج عدن)	تعداد	CTF-150 (دریای عربی)
۱	آمریکا	۱۰	آمریکا	۹	پاکستان	۱۲	پاکستان
		۴	کویت	۶	ترکیه	۱۱	فرانسه
		۳	اردن	۵	کره جنوبی	۱۰	انگلیس
		۲	عربستان	۵	سنگاپور	۸	استرالیا
		۲	امارات	۴	ژاپن	۵	آلمان
		۲	بحرین	۳	کویت	۵	کانادا
		۲	انگلیس	۳	آمریکا	۱	هلند
		۱	استرالیا	۲	دانمارک	۱	ایتالیا
		۱	ایتالیا	۲	نیوزلند	۱	اسپانیا
				۲	تایلند	۳	عربستان
				۱	بحرین	۱	نیوزلند
				۱	انگلیس		
				۱	برزیل		



تصویر ۱. مناطق تحت پوشش نیروهای دریایی ترکیبی و فرماندهی فعلی نیروها در غرب آسیا
(منبع: نیروی دریایی ترکیبی، ۲۰۲۲)

یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف. پیامدهای شکل‌گیری ائتلاف‌های دریایی برای امنیت ملی

جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی خود از مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس و دریاهای پیرامون است. از یک طرف شرایط ویژه خلیج فارس و خصوصاً تنگه هرمز به دلیل وضعیت سیاسی و اقتصادی بین‌المللی و از طرفی حضور ناوگان دریایی برخی قدرت‌ها بالأخص ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در حوزه اقیانوس هند شرایط حداکثری حضور کشورهای ذی‌نفع را ممکن ساخته است؛ بدین ترتیب این ویژگی بر اساس رهیافت امنیتی همواره به‌عنوان مبنای تهدید مستمر وجود خواهد داشت. گستردگی خط ساحلی (طول مرزهای ساحلی جنوب کشور ۷۸۴ کیلومتر در دریای عمان و ۱۲۵۹ کیلومتر در خلیج فارس است) و اهمیت بالای نوار ساحلی از منظر ژئواکونومیک برای کشور از دیگر دلایل بسترساز افزایش تهدید در کنار همه فرصت‌های آن بوده است. با بررسی و تحلیل روندهای حاکم بر محیط داخلی و خارجی

ج.ا.ایران و انقلاب اسلامی پیامدهای متصور از سوی ائتلاف‌های دریایی برای ج.ا.ایران در عرصهٔ دریا به شرح زیر است:

اعمال بازرسی، توقیف شناورهای تجاری و نفتکش ج.ا.ایران به بهانهٔ تحریم‌های اقتصادی

در شرایط موجود و در مقیاس جهانی، مسیرهای دریایی، مناسب‌ترین و کم‌هزینه‌ترین مسیر انتقال کالا و انرژی هستند. تسلط دولت‌ها بر راه‌های آبی نه تنها می‌تواند به‌عنوان اقتصادی‌ترین راهکار حمل‌ونقل کالا محسوب گردد؛ بلکه در تحکیم اصول و مبانی استقلال اقتصادی و سیادت و حفظ حقوق کشورها در دریا از موقعیت ویژه‌ای برخوردار شده است؛ به همین سبب اغلب کشورهای جهان که از امکانات طبیعی در زمینهٔ دسترسی به دریاهای آزاد برخوردار بوده‌اند کم و بیش در صدد برآمدند که با تشکیل ناوگان دریایی، حداقل قسمتی از تجارت دریایی را به خود اختصاص دهند و با حمل کالا از طریق راه‌های آبی سهمی در جابه‌جایی کالا داشته باشند (مینایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۹)؛ آنچه که مشخص است وجود و کارکرد ائتلاف‌های دریایی در آبراه‌های پیرامون هم‌آهنگ و همسو با سیاست‌های ج.ا.ایران نخواهد بود؛ از این جهت بخشی از تلاش نیروهای ائتلافی کنترل مسیرهای حمل‌ونقل ج.ا.ایران خواهد بود. ماهیت این تهدیدات اقتصادی خواهد بود که با بهره‌گیری از قوانین تحریمی و لویح ضد ایرانی و از طریق شناورها و پرنده‌های دریایی در آبراه‌های بین‌المللی علیه شناورهای متردد انجام می‌شود.

ناامنی در مسیر تردد و حمل‌ونقل دریایی

جامعهٔ جهانی امروز به اقتصاد و تجارت وابسته است و تجارت جهانی نیز به حمل‌ونقل دریایی وابسته است؛ در واقع تنها حامی تجارت جهانی، حمل‌ونقل دریایی است. در سال ۲۰۱۷ میزان واردات و صادرات در دنیا نزدیک به ۱۸ تریلیون دلار بوده است که ۹۰ درصد آن توسط کشتی‌ها حمل شده است (سازمان تجارت جهانی، ۲۰۱۸)؛ این نوع حمل‌ونقل ارزان‌ترین روش حمل‌ونقل است؛ این روش حمل‌ونقل مناسب‌ترین روش حمل‌ونقل در صنایع سنگین است. در چند سال گذشته حملات متعدد دزدان دریایی در

پهناب‌های بین‌المللی به‌ویژه منطقه خلیج عدن به شناورها و کشتی‌های بازرگانی ابعاد جدیدی از ناامنی دریایی را نشان داده است. با توجه به تردد کشتی‌های تجاری متعدد با پرچم ج.ا.ایران از مناطق پرخطر دریاها و آب‌های بین‌المللی، بروز ناامنی متأثر از حضور دزدان دریایی از جمله تهدیدات جدی پیش روی جامعه دریایی کشور است. وجود ائتلاف‌های دریایی در زمان بحران‌ها و بی‌ثباتی سیاسی درونی و خارجی کشور، می‌تواند زمینه‌ساز بروز ناامنی و ایجاد حوادث امنیتی برای شناورهای متردد در نواحی متردد و مسیرهای دریانوردی شود.

عملیات روانی گسترده دشمن در راستای قدرت‌نمایی و معرفی ج.ا.ایران به‌عنوان عامل ناامنی
در این فضا نیروهای ائتلافی سعی دارد از طریق معرفی ج.ا.ایران به‌عنوان مخل امنیت دریایی، فضای روانی را در عرصه منطقه‌ای و جهانی، جهت‌دهی و مهیا نماید؛ یکی از تلاش‌های دشمن در این راستا در حوزه خلیج فارس و دریای عمان، پخش اعلامیه‌های دریایی تأمین امنیت از طریق شناورهای نظامی خود و همپیمانان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. هدف اصلی این اعلامیه‌ها، معرفی خود به‌عنوان عامل ثبات در منطقه و ج.ا.ایران به‌عنوان عامل ناامنی است؛ در این اعلامیه‌ها تلاش می‌کنند تا خود را به‌عنوان نماد ایجاد اطمینان و ثبات در خلیج فارس و حوزه‌های دریایی معرفی کنند که این عمل معمولاً از طریق اقدامات بشردوستانه و یاری‌دهنده در حوادث دریایی صورت می‌گیرد و ج.ا.ایران را به‌عنوان مخل امنیت دریایی معرفی کنند. گفتمان‌سازی این رویه از سوی ائتلاف دریایی به‌صورت مرتب صورت می‌گیرد.

بسترسازی بروز تهدیدات نظامی دریای‌پایه در دوردست

رویکردهای نظامی - امنیتی در بردارنده عواملی همچون تهاجم نظامی قدرت‌های دریایی، اجرای انواع عملیات‌های نظامی در سطوح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی، توانمندی نظامی قدرت‌های جهانی در به‌کارگیری انواع سلاح‌ها و همچنین استقرار پایگاه‌های نظامی در کشورهای منطقه و استقرار ناوگان دریایی در اقیانوس هند، دریای عمان و خلیج

فارس است. در حال حاضر مهم‌ترین تهدید سخت در حوزه دریا، حضور قدرت‌های دریایی در پیرامون مرزهای دریایی است و شکل‌گیری ائتلاف‌های دریایی می‌تواند در جهت هماهنگ‌سازی و جهت‌دهی به نوع و شیوهٔ مقابله با تهدید در زمان بحران کمک نماید. تلاش قدرت‌های دریایی برای کسب برتری دریایی در منطقه با به‌کارگیری انواع سامانه‌های رزمی و پشتیبان رزم، انهدام واحدهای شناور سطحی و زیرسطحی، حملهٔ موشکی و هوایی دریایپایه به تأسیسات و پایگاه‌های آفندی و پدافندی در سواحل و جزایر، ایجاد اختلال در شبکه‌های ارتباطی و سامانه‌های الکترونیکی و راداری، پشتیبانی از عملیات هوایی و زمینی و انجام احتمالی عملیات ویژه و آب‌خاکی از جمله مصادیق تهدید دریایی در بعد نظامی است.

ب. قدرت‌سازی و موازنهٔ قوا در مقابل ائتلاف‌های دریایی

ج.۱. ایران با توجه به موقعیت کم‌نظیر جغرافیایی‌اش از توان بالایی برای نقش‌آفرینی و کسب قدرت در مقیاس منطقه‌ای در پهناب‌های مجاور برخوردار است؛ با این حال قرار گرفتن ایران در یکی از شکننده‌ترین مناطق ژئوپلیتیک جهانی ایجاب می‌کند که قدرت دریایی ج.۱. ایران، قلمرو دریایی خود را به‌فراخور امنیت ملی کشور بگستراند.

بازدارندگی دفاعی و افزایش عمق راهبردی کشور در بستر دریا

ویژگی اصلی بازدارندگی هزینهٔ کمتر نسبت به دفاع است. بازدارندگی یک راهبرد پیشگیرانه تلقی می‌شود که تحقق آن یکی از دغدغه‌های اصلی دولت‌ها است (عسکری و ترابی، ۱۳۹۲: ۷). بر اساس برآوردهای موجود مبدأ تهدیدات احتمالی دریایی علیه ج.۱. ایران از دریای سرخ، اقیانوس هند تا دریای عمان و خلیج فارس امکان بیشتری دارد، نیروی دریایی ج.۱. ایران قادر است از طریق متقاعد کردن دشمنان بالقوه مبنی بر این‌که آن‌ها نمی‌توانند پیروز شوند و یا هزینهٔ تجاوزشان بسیار هنگفت خواهد بود، به بازدارندگی نسبی دست پیدا کند. برای یک بازدارندگی مؤثر، ارادهٔ قدرتمند، زیرساخت‌های پیشرفته و آمادگی کامل موردنیاز است؛ در واقع برای تحقق کامل بازدارندگی و پیشگیری از هرگونه تهاجم

کشورهای متخاصم ترکیبی از این سه اصل مهم در یک نیروی دریایی تمام عیار و قدرتمند لازم و ضروری است؛ بنابراین وجود نیروی دریایی مقتدر و گسترش مرزهای عملیاتی آن ضمن بازدارندگی، عمق راهبردی کشور را افزایش و توان ج.ا.ایران را در برخورد با چالش‌های ژئواستراتژیک در پهنا‌های پیرامونی به‌ویژه در برخورد با قدرت‌های فرامنطقه‌ای در اقیانوس هند ارتقا می‌دهد. نیروی دریایی همچنین ترابری دریایی راهبردی را در محیط اقیانوسی فراهم و ورود نیروهای متعاقب و پشتیبانی‌کننده را تسهیل می‌کند.

بازدارندگی از مسیر مدیریت حمل‌ونقل انرژی فسیلی در خلیج فارس و تنگه هرمز

رویکرد بازدارندگی مبتنی بر بهره‌گیری از عوامل قدرت ملی به‌منظور ترساندن دشمن از پیامدهای سخت اعمال خود است. در میان عوامل قدرت ملی، انرژی‌های فسیلی نفت و گاز نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. نکته قابل توجه در این خصوص، منطبق‌نبودن مناطق تولید با مناطق مصرف انرژی‌های فسیلی است. به دلیل اهمیت بالای انرژی فسیلی، ترانزیت آن ارزش راهبردی پیدا کرده است (افشردی و نادری، ۱۳۹۹: ۵). منظور از مدیریت ترانزیت انرژی هدایت، رهبری، سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی و کنترل نقل و انتقال انرژی از مراکز تولید به مراکز مصرف آن است. در سطح راهبردی تعیین اهداف بلندمدت، چشم‌انداز، نقشه راه، راهبردها و سیاست‌های کلی از اولویت بالاتری برخوردار است. منابع انرژی‌های فسیلی دارای الگوهای خاص توزیع می‌باشند و توزیع آن‌ها در سطح کره زمین متعادل نیست. منابع نفت عمدتاً در غرب آسیا، غرب و شمال آفریقا، آمریکای مرکزی و جنوبی، روسیه، آمریکای شمالی و اروپا پراکنده‌اند؛ ذخایر گاز نیز عمدتاً در روسیه، ج.ا.ایران و خلیج فارس قرار دارند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۱)؛ بنابراین مصرف‌کنندگان عمده نفت و گاز با تولیدکنندگان آن تفاوت مکان و فضا داشته و از این‌رو ترانزیت این ماده موضوعیت پیدا می‌کند. به دلیل نقش بنیادی انرژی فسیلی نفت و گاز در رشد اقتصادی کشورها و عملیات‌های بزرگ نظامی، ترانزیت آن از مقوله‌های مهم و راهبردی محسوب می‌شود؛ به‌نحوی که اختلال در آن می‌تواند بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کند. عوامل مؤثر در ترانزیت انرژی عبارت‌اند از: ۱- امنیت مسیر ۲- میزان سرمایه مورد نیاز ۳- تعدد

ذی‌نفعان ۴- نحوه مالکیت ۵- مقدار نفت و گاز انتقالی. (ترکان، ۱۳۹۰: ۱۷) عامل دیگر که برای ترانزیت انرژی لازم است موقعیت ارتباطی است. مسیرهای ترانزیت و انتقال انرژی در سطح بین‌المللی به موقعیت ارتباطی کشورها وابسته هستند. کشورهایی که از فرصت‌ها و مزیت‌های ارتباطی برخوردارند با فعال‌سازی آن‌ها می‌توانند بهره‌برداری مختلفی در راستای تأمین امنیت و منافع ملی خود بنمایند؛ زیرا نتایج اقتصادی، اجتماعی، فضایی، سیاسی، دفاعی و امنیتی تشکیل اتحاد و ائتلاف همسو و طرفدار برای رفع تهدید و تحلیل هزینه‌های دفاعی کشورهای وابسته را به همراه دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۶۸)؛ بنابراین مدیریت ترانزیت انرژی فسیلی تحت تأثیر مستقیم موقعیت ارتباطی کشورهاست و بر مزیت نسبی در اختیار داشتن فاصله بین مراکز تولید با مراکز مصرف استوار است و هرچه نیازمندی مراکز تولید و مصرف انرژی به یکدیگر بیشتر باشد. مدیریت ترانزیت و کنترل منابع انرژی، فرصت و توانایی بالایی را برای قدرت افکنی ج.ا.ایران در عرصه دریا ایجاد خواهد کرد.

سیادت دریایی در آبراه‌های راهبردی اقیانوس هند

حضور مستمر در آب‌های پیرامونی، باعث افزایش نظارت بر بخش شمالی اقیانوس هند و آبراه‌ها و مسیرهای کشتیرانی بین‌المللی می‌شود و به افزایش قدرت ملی و منطقه‌ای کمک می‌کند. تنگه‌های مهم اقیانوس هند به علت صرفه‌جویی‌های اقتصادی و نزدیک ساختن سه حوزه جغرافیایی اصلی اقتصاد جهان یعنی آمریکای شمالی و اتحادیه اروپا و جنوب شرق آسیا از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. با حضور فعال نیروی دریایی در این آبراه‌ها، کشور جای پای محکمی در ورودی اقیانوس هند از سمت اروپا و غرب پیدا خواهد کرد و ضمن افزایش ضریب امنیت کشور بر ضریب آسیب‌پذیری نیروهای فرامنطقه‌ای می‌افزاید.

افزایش وزن ژئوپلیتیک کشور در عرصه منطقه‌ای و جهانی

در ضلع شمالی اقیانوس هند، راهبردهای منطقه‌ای و برون منطقه با یکدیگر سازگاری یافته و هماهنگ عمل می‌کنند و بعضی از کشورهای جنوبی خلیج فارس با قدرت‌های

فرمانطقه‌ای به‌ویژه ایالات متحد پیونده خورده و منافع مشترک و گاه متعارضی نسبت به ج.ا.ایران در منطقه خلیج فارس دنبال می‌کنند؛ این پیوند برخاسته از جایگاه راهبردی آبراه-های موجود در اقیانوس هند و ظرفیت‌های ارتباطی و اقتصادی و نظامی است که نقش مؤثری در موازنه قدرت منطقه‌ای و جهانی دارد و دولت‌ها و قدرت‌های مسلط بر این گذرگاه‌های از آن به‌عنوان ابزاری در سیاست خارجی خود بهره می‌گیرند؛ در این میان نیروی دریایی ج.ا.ایران با حضور فعال و نقش‌آفرینی مؤثر در فعالیت‌های بشردوستانه و مقابله با ناامنی‌ها و مخاطرات دریایی می‌تواند به افزایش وزن و منزلت ژئوپلیتیک کشور در مقیاس منطقه‌ای و جهانی و کسب وجهه مناسب در مناسبات بین‌المللی بیانجامد.

امنیت‌سازی دریایی در خلیج عدن

امنیت دریایی از منابع دریایی و حاکمیت کشور محافظت می‌کند، از تجارت دریایی گسترده و آزاد پشتیبانی می‌کند و با تروریسم، جرم و جنایت‌های چند ملیتی، دزدی دریایی، بهره‌برداری غیرقانونی از محیط زیست دریایی و مهاجرت غیرقانونی دریایی مقابله می‌کند. نیروهای دریایی، امنیت دریایی را در فضای عمومی و مشترک دریایی و مسیرهای دسترسی دریایی فراهم می‌کند. آگاهی‌های حوزه دریایی را توسعه می‌دهند، نظارت مؤثر دریایی را برقرار می‌کنند و از کشور محافظت می‌کنند. در چند سال گذشته حملات متعدد دزدان دریایی در پهناب‌های بین‌المللی به‌ویژه منطقه خلیج عدن به شناورها و کشتی‌های بازرگانی ابعاد جدیدی از ناامنی دریایی را نشان داده است. با توجه به تردد کشتی‌های تجاری متعدد با پرچم ج.ا.ایران از منطقه خلیج عدن و آب‌های بین‌المللی برقراری امنیت کامل کشتی‌ها در زمان تردد از منطقه خطر و ایجاد چتر امنیتی لازم دو چندان اهمیت دارد. حضور مقتدرانه نیروی دریایی ج.ا.ایران در آب‌های بین‌المللی و خلیج عدن نه تنها پاسخ محکمی به دزدان دریایی حاضر در این منطقه است؛ بلکه برای قدرت‌های بزرگ و ائتلاف‌های دریایی هم پیام آمادگی و قدرت یگان‌های دریایی کشور را در بر دارد.

نتیجه‌گیری

اهمیت اقتصادی، منافع امنیتی و جغرافیای مناطق راهبردی، افزایش اتکا به نیروهای دریایی را جهت حفاظت از منافع کشورها و ثبات منطقه‌ای ایجاد می‌کند. افزایش سریع و ناگهانی وابستگی به انرژی و منابع (۵۶ درصد افزایش مصرف انرژی جهانی در سال ۲۰۴۰) نشان دهند اهمیت جریان آزاد تجاری از تنگه‌های دریایی مانند تنگه هرمز، باب‌المندب، مالاکا و همچنین کانال سوئز و پاناما است. امنیت دریایی منطقه اقیانوس هند و حفاظت از خطوط ارتباط دریایی در حال حاضر تبدیل به موضوع مشترک قدرت‌های جهانی شده است که برای حفظ رشد اقتصادی نیاز به انرژی دارند. ویژگی اصلی راهبردی اقیانوس هند مربوط به مرکزیت انرژی در قرن بیست و یکم است که بعد از جنگ سرد، به‌عنوان یک حوزه رقابتی شدید بین کشورهای مختلف پدیدار شد؛ این منطقه در دنیای اقتصاد بازار آزاد به‌عنوان مسیر ابریشم اقتصادی جدید نیز عنوان شده است. در همین راستا کشورهای فرامنطقه‌ای صاحب منافع با همکاری کشورهای منطقه‌ای همسو ائتلاف‌های دریایی را در حوزه‌های راهبردی اقیانوس هند با هدف تضمین امنیت دریانوردی و تأمین منافع خود شکل داده‌اند. بررسی‌ها و تحلیل‌های علمی نشان می‌دهد که تأمین امنیت دریایی، واپایش و برتری دریایی، نظارت و چیرگی بر آبراه‌ها و افزایش وزن ژئوپلیتیکی نیروهای فرامنطقه‌ای، دفاع از منافع ملی در عمق، تقویت و حفظ ارتباطات نزدیک با شرکای بین‌المللی و اثرگذاری بر فرایند منطقه‌ای و جهانی از طریق واپایش مسیرهای انرژی از مهم‌ترین اهداف شکل‌گیری ائتلاف‌های دریایی در پیرامون مرزهای دریایی کشور است. نگاه تهدیدآمیز ناتو نسبت به ج.ا.ایران و بروز تنش‌های ناشی از اختلافات و رویکردهای سیاسی در سطوح منطقه‌ای و جهانی باعث شده است که ائتلاف‌های دریایی زمینه‌ساز تهدید دریایی برای امنیت ملی شود. اعمال بازرسی، توقیف شناورهای تجاری و نفتکش ج.ا.ایران به بهانه تحریم‌های اقتصادی، ناامنی در مسیر تردد و حمل‌ونقل دریایی، قدرت نمایی، معرفی ج.ا.ایران به‌عنوان عامل ناامنی دریایی و بسترسازی بروز تهدیدات نظامی دریاپایه از جمله پیامدهای تهدیدزا در این حوزه است. جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت

ژئوپلیتیکی و دسترسی جغرافیایی به فضای اقیانوسی و همچنین برخورداری از ظرفیت‌های و توانمندی‌های دریایی می‌تواند از مسیر توسعه عمق راهبردی کشور در بستر دریا، مدیریت انتقال انرژی فسیلی در خلیج فارس و تنگه هرمز، سیادت دریایی در آبراه‌های راهبردی، امنیت‌سازی دریایی و افزایش وزن ژئوپلیتیک کشور در عرصه منطقه‌ای و جهانی به مقابله با تهدیدات و پیامدهای منبث شده از ائتلاف‌های دریایی بپردازد.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- اخگری، علی اکبر (۱۳۹۱)، نقش قدرت دریایی در اقتدار ملی ج.ا.ایران، *اولین همایش ملی توسعه مکران*، تهران.
- افشردی، محمدحسین؛ نادری، سعید (۱۳۹۹)، «شناخت مهم‌ترین الزامات افزایش بازدارندگی با استفاده از مدیریت ترانزیت انرژی فسیلی در یک منطقه»، *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، س هجدهم، ش هشتم.
- ترکان، اکبر (۱۳۹۰)، *ملاحظات دفاعی در قراردادهای انتقال نفت و گاز*، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، تهران.
- پیشگاهی فر، زهرا؛ خانی‌ها، نسرین (۱۳۸۹)، «جایگاه حوزه اقیانوس هند و تنگه‌های استراتژیک آن در فرایند جهانی شدن»، *فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا*.
- خازن‌ادی؛ سیاری، حبیب‌الله (۱۳۹۴)، *تنگه‌های راهبردی جهان*، تهران: انتشارات نداجا.
- خوشکار، امیرعباس؛ قاسمی، فرهاد (۱۴۰۱)، «راهبرد پژوهی سیستم کنترل رژیم صهیونیستی در برابر نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه محیط راهبردی*، دانشگاه دفاع ملی.
- ربیعی، علی (۱۳۸۷)، *مطالعات امنیت ملی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- رستمی، علی‌اکبر؛ زهدی، یعقوب (۱۳۹۲)، جایگاه دریا در راهبرد دفاعی ج.ا.ایران و راهکارهای تحقق و الزام‌های آن، *مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی*، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۶)، *امنیت ملی و نظام بین‌الملل*، چ اول، تهران: انتشارات سمت.
- ضرغامی، ابراهیم؛ همکاران (۱۳۹۷)، «استراتژی دریایی و قدرت ملی»، *فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، دانشگاه عالی دفاع ملی، س هشتم، ش ۳۳.
- ضرغامی، ابراهیم؛ همکاران (۱۳۹۷)، *سیاست دریایی و استراتژی ملی*، (مطالعه موردی: جایگاه اقیانوس هند در استراتژی دریایی ج.ا.ایران) - پایان‌نامه، دانشگاه خوارزمی تهران.
- عالی‌پور، علیرضا؛ طحانی، غلامرضا (۱۳۹۷)، «توسعه قدرت دریایی، زیربنای اقتصاد دفاع»، *فصلنامه مدیریت راهبردی دفاع ملی*، س دوم، ش ۸.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۲)، *نظریه‌های امنیت مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی*، تهران: مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران.

- عسکری، محمود؛ ترابی، قاسم (۱۳۹۲)، بازدارندگی ج.ا.ایران در عرصه دریایی، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۸)، الگوی مناسب برای نظام بین‌المللی، فصلنامه دانشور، س هفتم، ش ۲۵.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چ اول، مشهد: انتشارات پاپلی.
- خامه‌گر، محمد؛ دیگران (۱۳۹۵)، اعتبارسنجی رهیافت‌های کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۰)، پردازش مفهوم امنیت زیست‌محیطی (رابطه امنیت و اکولوژی)، فصلنامه ژئوپلیتیک، س هفتم، ش سوم.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۸)، الزامات تئوریک بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، س اول، ش سوم.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۲)، نظم نامتقارن سیستم‌های پیچیده و آشوب و راهبرد دفاع جامع در سیستم بازدارندگی، فصلنامه روابط خارجی، س ششم، ش اول.
- قاسمی، فرهاد؛ جمشیدی، محمدحسین؛ محسنی، سجاد (۱۳۹۷)، عربستان سعودی و بازدارندگی شبکه‌ای علیه ج.ا.ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، س بیست و یکم، ش سوم.
- کالین‌اس‌گری (۱۳۸۵)، ساختارشناسی راهبرد، ترجمه علیرضا فرشچی، چ اول، انتشارات: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
- صفارزاده، همکاران (۱۳۸۸)، حمل و نقل دریایی، تهران: انتشارات اسرار دانش.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، چ اول، تهران: انتشارات سمت.
- موحدی‌نیا، جعفر (۱۳۸۸)، اصول و مبانی پدافند غیرعامل، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
- میرحیدر، دره؛ عسکری، سهراب (۱۳۸۳)، ژئوپلیتیک قلمروهای دریایی ایران در خلیج فارس با تأکید بر لزوم فلات قاره، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۵۰.
- مینایی، حسین؛ صباغ‌پور، هومن؛ حجتی‌نیا، محمدحسین (۱۳۹۷)، تهدیدات امنیتی شمال اقیانوس هند و آینده تجارت دریایی ج.ا.ایران، فصلنامه آینده پژوهشی دفاعی، س سوم، ش ۱۰.

ب. منابع انگلیسی

- CMF, (2022) *Combined Maritime Forces*, <https://combinedmaritimeforces.com>.
- EIA (2014) *Countries World Oil Transit Chokepoints*, U.S. Energy Information Administration analysis full report.
- Clark bryan (2014), *Commanding the seas*(CSBA)The Center for Strategic and Budgetary Assessments,www.csbaonline.org.
- Cantori, Louis and Steven L. Spiegel (1970), *The International Politics of Regions*, New Jersey: Prentice Hall, Englewood Clis.
- Gray, Colins (1977), “*The Geopolitics of The Nuclear Era*”, Heart Land, Rim Lands and The Technological Revolution, Newyork, Crane Russak and Company.
- International Institute for Strategic Studies (IISS)(2017), *The military balance*, *Rutledge*, www.iiss.org.
- Kaplan, Robert,(2010) *Monsoon: The Indian Ocean and the Future of American Power Tellis*, Ashley (2007), *American and Indian Interests in India’s Extended Neighborhood*, India in Transition, June 27.
- Tan, Andrew T. H (2011), *The Politics of Maritime Power A Survey*, Published by Routledge.
- Till, Geoffrey(2005), *Sea power: A Guide for the Twenty-First Century* (Cass Series: Naval Policy and History)
- Kaplan(2009)*center-stage-21st-century*, ww.foreignaffairs.com/articles/east-asia
- Lake,David, Morgan, Patrick (1997). *Regional Orders: Building Security in a New World*, Penn State University Press.
- Mahan, Alfred Thayer, (2006), *The major Operation of The Navies in the War of Amirican Independence*, Boston, Little Brown.